**کتابخانه های ایران**

**افشار، ایرج**

اگر امروز در مملکت ما کتابخانه‏های عمومی همسان با کتخانه‏های ممالک دیگر نیست‏ بسبب عوامل است که شناختن آن عوامل موکول بر تحقیق و مطالعهء دقیق موضوع و تجسس و بازرسی در هریک از کتابخانه‏ها و رسیدگی به انواع مشکلات موجودست.اساسا تصور کتابخانهء منظم‏ و قابل استفاده بمفهوم امروزی،هنوز چنانکه باید برای ما ایرانیان وجود ندارد و درست‏ نمیدانیم که کتابخانه برای هر صنف و دسته‏ای باید بشکلی خاص باشد تا استفاده از آن در حدی که‏ منظور نظرست میسر باشد.حقیقت آنست که برای غالب اشخاص،مفهوم کتابخانه همان است که‏ در قدیم بوده است.

زعمای دستگاههای دولتی که باید ایجادکننده و گردانندهء کار باشند توجیهی بحق و کافی‏ ندارند.امروزه کتابخانهء مفید و مناسب آن جائی نیست که چند صد کتاب خطی و نفیس را جمع کرده باشند و هرچند یکبار آن را به سلطان و وزیر و امیری از دیار عرب یا غرب نشان‏ بدهند.قطعی است که سخن گفتن از سابقهء کتابخانه‏های قدیم و چهار صد شتری که زیر بار کتبخانهء صاحب بن عباد بوده است جواب کسانی نیست که امروزه در ممالک مترقی کتابخانه‏های‏ چند میلیونی و حد اقل چند صد یازده هزاری ترتیب داده‏اند و اهم کتابهای جدید و قدیم را بزبانهای‏ مختلف و در رشته‏های گوناگون جمع کرده‏اند و میکنند،به آسانی و اطمینان آنها را به دوستداران‏ و محققان قرض میدهند و فهرستهای مختلف و لازم و از آنها برای سهولت مراجعه‏کننده تدوین و حتی طبع کرده‏اند.امروزه نه تنها برای تحقیق و تجسس علمی و پیشرفت در امور فنی وجود کتابخانه‏های منظم و بزرگ لازم است،بلکه اصولا برای تشحیذ ذهن جوانان و بیداری افکار آنان‏ و بطور کلی پیشرفت سطح سواد و معنویت ناچار از آنیم که در هر شهر کتابخانه‏ای داشته باشیم‏ و محصل و زارع و بازاری و صنعتکار را مدد ذوقی و فکری برسانیم و هم اینکه برای او وسیلهء تفنن‏ فرهم آوردیم و از بیکاری برهانیم.وظیفهء کتابخانه در جهان کنونی حقا رسالت گونه است.کتاب تنها وسیلهء محقق شدن نیست.کتابخانه چون سینما و زمین بازی و دیگر وسایلی که با زندگانی بشری‏ ارتباط دارد در جامعهء کنونی با حیات عامه مزج شده است و وسیلهء بسیار ارزنده و قابل اهمیت‏ در پخته شدن فکر و روشن شدن ذهن آدمی و حتی تفنن زنده و دائمی اوست.

دو سالی پیش نمایندگی«بنیاد فورد»در ایران موضوع تحقیق در وضع کتابخانه‏های‏ ایران را از اهم مسائل فرهنگی دانست و لازم دید که دز منطقه‏ای از ایران بوضع کتابخانه‏های‏ موجود رسیدگی شود.منطقه‏ای که برای تحقیق انتخاب شد مازندران و شهرهای سمنان و دامغان‏ و شاهرود بود.مقالهء حاضر مبتنی بر گزارش آن تحقیق و تجسس فراهم آمده است.چون موضوع تحقیق‏ در کتابخانه‏های ایران ارتباط با مسائلی چند از قبیل تولید کتاب و انواع کتابخانه‏ها و قواعد کتابداری دارد ناگزیر در مقدمهء این گزارش به اختصار و به اهم این مسائل پرداخته میشود و امیدست از مجموع آن فایدتی برای اصلاح امور کتابخانه‏ها حاصل آید.

اشارتی به کتبخانه‏های تاریخی

کتابخانه در ایران سابقهء دراز دارد.اگرچه دربارهء دوران پیش از اسلام اطلاع درستی نداریم‏ اما به حکم اشاره‏ای که از کتاب الفهرست تألیف ابن الندیم(قرن چهارم)به دست می‏آید الواح‏ گلی زیادی در تخت جمشید وجود داشته است که افکار و اخبار بر آنها نقر و نبشته شده و گفته‏اند که اسکندر دستور داده بوده است تا آن مطالب را استنساخ و به کتابخانهء اسکندریه حمل کنند.این‏ اشارهء ابن الندیم با کشف سی هزار لوح گلبن که در سال 1312 شمسی در یرانه‏های تخت جمشید بدست آمده تأیید شد.نیز ابن الندیم از کتبی نام میبرد که بر روی پوست درخت نوشته شده بوده‏ و در شهر جی(اصفهان)در قرن چهارم هجری دیده شده بوده است.او از دو کتابخانهء عهد ساسانی هم‏ در کتاب خود نام میبرد که کتابخانهء جندی‏شاپور در میان آن دواشهر از توصیف است.پس از حملهء عرب‏ و رواج تمدن اسلامی در ایران بمانند مملالک دیگر اسلامی کتابخانه‏های معتبر و بزرگ ایجاد شد.از کتابخانه‏های قدیم ایران کتابخانه‏های همدان و شیراز و ری و بخارا و اصفهان و مراغه‏ و نیشابور بسیار مشهورست.تعداد کتب کتابخانه‏های بزرگ را 17000(صاحب بن عباد در ری). 400000(رضد خواجه نصیر در مراغه)160000(ربع رشیدی بنیاد خواجه رشید الدین‏ فضل اللّه در تبریر)نوشته‏اند.

بطور کلی کتابخانه‏های قدیمی ایران را تا قبل از استقرار مشروطیت و نفوذ تمدن فرنگی‏ در ایران به انواع زیر میتوان تقسیم کرد:

الف-کتابخانه‏های سلاطین و ملوک.

ب-کتابخانه‏های شاهزادگان و رجال.

ج-کتابخانه‏های علما و دانشمندان(بخصوص فقها).

د-کتابخانه‏های مدارس و مساجد و بقاع و مزارات(که غالبا وقفی بوده است).

با ایجاد دار الفنون در ایران کتابخانه‏ای در آنجا بنیاد گرفت.پس از آن در مدرسهء علوم سیاسی کتابخانه‏ای ایجاد شد.این دو کتابخانه را باید نخستین کتابخانه‏های دانشگاهی ایران‏ دانست که اولی پایه و مایهء کتابخانهء ملی و دومی از آن کتابخانهء معتبر دانشکدهء حقوق شد.

پس از اینکه فکر مشروطیت و پیش کشیده شد و افکار آزادی‏خواهانه در ایران پیدا شد عده‏ای از روشنفکران و بخصوص افرادی که فرنگ را دیده بودند برای نخستین بار کتابخانهء عمومی را در تهران ایجاد کردند و آنجا محل تجمع مردم کتاب‏خوان و آزادفکران بود.اما این‏ کتابخانه بیش از چند سالی دوام نداشت و در 1316 هجری قمری از میان رفت.

کتابخانه‏های امروز

امروز کتابخانه‏های مختلفی در ایران وجود دارد.اما هیچ یک چنانکه باید نه منظم است و نه‏ آن‏گونه کاری را که باید می‏کند.

کتابخانهء ملی کارهای اساسی را که یک کتابخانهء ملی باید انجام دهد نمیدهد و بصورت یک‏ کتابخانهء عقب افتادهء عمومی درآمده است.

تعداد کتابخانه‏های عمومی در ایران بسیار کم است و عموما از انجام دادن اساسی‏ترین کار که قرض دادن کتاب است خودداری میکنند.

کتابخانه‏های دانشگاهی و تخصصی هم چنانکه باید مجهز نیستند و از لحاظ داشتن کتابهای‏ جدید علمی و بخصوص مجلات همواره چند سالی عقب‏اند.نیز از لحاظ خدمات کتابداری بخصوص‏ داشتن کتابشناس و فهرست‏نویس و فهرستهای مرتب و دادن اطلاعات کتابشناسی عقب افتاده است.درینجا لازم می‏آید که از باب اطلاع مختصرا درباب هریک از انواع کتابخانه‏های ایران بحث‏ اجمالی شود.1

(1)-برای تفصیل نگاه کنید به مقالهء اینجانب«کتاب و کتابخانه در ایران»مندرج در جلد اول کتاب«ایرانشهر»از انتشارات کمیسیون ملی پونسکو که چندی دیگر نشر خواهد شد.

الف-کتابخانهء ملی

کتابخانهء ملی در سال 1317 شمسی از ترکیب کتابهای کتابخانهء عمومی معارف(دال الفنون) و قسمتی از کتب کتابخانهء سلطنتی ایجاد شد.امروز حدود شصت هزار جلد کتاب دارد.اگرچه‏ تصور میرود که درین کتابخانه باید جمیع انتشارات ایران و مربوط به ایران و کتابهای فارسی‏ چاپ خارج موجود باشد،اما بعلت آنکه قانون اهدای نسخ مجانی ضمانت اجرا ندارد این کتابخانه‏ فاقد بیش از دو سوم انتشارات مملکتی است.حتی نشریات دولتی هم به آنجا واصل نمی‏شود! باز بعلت نداشتن اعتبار مالی کافی و تشکیلات صحیح نتوانسته‏اند کتابهای مربوط به ایران و کتابهای‏ مهم(از جمله کتب مراجعه و نشریات ادواری)را در مجموعهء خود جمع کنند.استفادهء کنونی‏ ازین کتابخانه منحصر شده است به مراجعهء تنی چند معدود برای ملاحظهء نسخ خطی و چاپی قدیم و عده‏ای‏ کثیر از محصلین بقصد اشغال صندلیهای تالار قرائت برای خواندن کتابها و جزوات درسی خود و حل مسئله و غیره.....

تعهد وظائف اساسی که در عهدهء کتابخانهء ملی است با وضع فعلی آن تقریبا غیر عملی است.

ب-کتابخانه‏های دانشگاهی و تخصصی

این دسته از کتابخانه‏ها بنسبت از انوع دیگر کتابخانه‏ها در ایران منظم‏تر اداره می‏شود. اکنون دانشکده‏های دوازده‏گانهء دانشگاه تهران(از جمله پزشکی و علوم و فنی و کشاورزی‏ و ادبیات و حقوق و الهیات و دامپزشکی دانشگاه تهران)هریک کتابخانهء مستقلی دارند.در ولایات نیز دانشکده‏ها دارای کتابخانه‏های باارزشی است.

کتابخانه‏های دانشکده‏های ادبیات و حقوق در تهران اولین و دومین کتابخانهء بزرگ‏ (بتعداد)و مهم ایران بشمار می‏آید.اولی حدود نود و دومی هفتاد هزار جلد کتاب دارد.

کتابخانه‏های تخصصی در ایران غالبا از آن مؤسسات دولتی است.مثل کتابخانهء انستیتو پاستور،بانک ملی ایران،موزهء ایران باستان و جز اینها.درین سالهای اخیر مؤسسات دانشکده‏ها مثل مؤسسهء علوم اداری،تحقیقات اجتماعی،مؤسسهء ژنوفیزیک،مؤسسهء مالاریالژی و بهداشت‏ گرمسیری نیز کتابخانه‏های اختصاصی را بنیاد گذارده‏اند.

در دانشگاه تهران اساس کتابخانهء مرکزی هم ریخته شده است و اکنون در حدود دوازده هزار کتاب دارد که بیشتر نسخ خطی و عکسی و فیلم است.این کتابخانه مرکز جمع‏آوری‏ کتب اساسی مراجعه و تحقیق خواهد بود.

ج-کتابخانه‏های عمومی

بحث اصلی ما در پیرامون این دسته از کتابخانه‏های مدارس خواهد بود و چون‏ در قسمت دوماین مقاله تحقیقاتی که راجع به آنها در منطقهء مورد تحقیق بعمل آمده مندرج‏ خواهد شد درینجا به بحث کلی دربارهء کتابخانه‏های عمومی در سراسر مملکت می‏پردازیم.

تعداد کتابخانه‏های عمومی موجود در ایران زیاد نیست و عده‏ای از شهرها اساسا کتابخانهء عمومی‏ ندارد.کتابخانه‏های عمومی موجود به یکی از سه ترتیب زیر تشکیل شده است:

1-کتابخانه‏های عمومی وقفی اشخاص یا وابسته به مؤسسات یا مردم شهر.

نمونهء مشخص و مهم این نوع،کتابخانهء آستانه قدس در مشهد،کتابخانهء ملی\*ملک در تهران، کتابخانهء مجلس شورای ملی در تهران،کتابخانهء ملی\*رشت،کتابخانهء ملی\*تبریز،کتابخانهء مدرسهء سلطانی کاشان(انجمن آثار ملی)،کتابخانهء عمومی انجمز،کتاب در تهران،کتابخانه‏های‏ انجمن‏های فرهنگی خارجی....

2-کتابخانه‏های عمومی فرهنگ نظیر کتابخانهء فرهنگ مشهد،کتابخانهء تربیت تبریز.

\*-لفظ«ملی»کلمهء بسیار نامناسبی است؛اگر شرکت ملی نفت و بانک ملی ایران«ملی»باشد اطلاق لفظ«ملی»بر کتابخانه‏ای که عده‏ای در شهری تأسیس کرده‏اند درست نیست و پافشاری مؤسسان آنها در مقابل‏ استدلال کتابخانهء ملی تهران حقا«ملی»است بی‏مورد است.

3-کتابخانه‏های عمومی شهرداریها نظیر کتابخانهء پارک‏شهر در تهران،کتابخانهء ساری، بابل و اصفهان.....

فعلا مهمترین و منظم‏ترین کتابخانه‏های عمومی که دارای اعتبار مالی هستند نوع دستهء اول است،یعنی آنها که ازآن شهرداری یا فرهنگ نیست و تعلق به مردم دارد،خواه بصورت‏ وقف است و خواه ناشی از فعالیتهای عمومی دیگر

مسألهء کتابخانهء عمومی در ایران و فعالیتهای فکری و تعلیماتی آن نظیر آنچه که در کشورهای‏ دیگر توسط این نوع کتابخانه‏ها به ثمر می‏رسد.برای ما بکلی تازه است.هنوز هیچ یک از فعالیتهای‏ لازم نظیر قصه‏گوئی برای کودکان،نمایش دادن فیلم،شنیدن موسیقی،کتابخانهء مخصوص کودکان‏ و غیره در ایران ثبت نشده است.حتی در همان زمینهء کتاب هم بسیار عقب افتاده‏ایم و هیچ یک‏ از کتابخانه‏های عمومی ایران هنوز نتوانسته‏اند امانت دادن کتاب را که اصیل‏ترین و اساسی‏ترین‏ کارست باب کنند،یا آنکه قسمت مخصوص کودکان داشته باشند و در جمع کتاب همپای انتشار کتاب‏ پیش بروند.

هم اکنون کتابخانهء عموممی در ایران بیشتر مورد استفادهء طبقهء محقق است تا عامهء مردم. اگر سری به کتابخانه‏های مجلس یا ملی ملک بزنیم کاملا این موضوع برای ما روشن میشود.1

شاید نمونهء کوچکی از فعالیت صحیح کتابخانهء عمومی در ایران خدمات کتابخانهء عمومی‏ کوچک انجمن کتاب باشد که از هفت سال پیش تشکیل شده و تواسنته است شش هزار کتاب داشته باشد. این کتابخانه هفتصد عضو دارد و اعضای آن غالبا از طبقهء عادی،مخصوصا محصلین و کودکان‏ غالبا از کسانی‏اند که به مطالعه خوگرفته‏اند.بعلت آنکه استفاده ازین کتابخانه بکلی مجانی است‏ و به اسانی کتاب به خواستار قرض داده می‏شود و کتابهای جدید فورا(بفاصلهء دو هفته از تاریخ‏ انتشار)تهیه میکنند تعداد مراجعه کنندهء آن به نسبت خوب است.این انجمن توانسته با کمک‏ شرکت نفت(که اتومبیلی در اختیار گذاشته)نخستین کتابخانهء سایر ایران را بطور آزمایش‏ بکار بیندازد و فعلا هفته‏ای یکبار کتاب برای استفادهء مردم ورامین(چهل کیلومتری تهران) میبرد و چون در آنجا اساسا کتابخانه وجود ندارد این کار مورد استفادهء عموم مردم و مخصوصا فرهنگیان آنجا است.

د-کتابخانه‏های مدارس

ناگوارتر از وضع کتابخانهء عمومی وضع کتابخانه‏های مدارس‏2ایران است اساسا چون‏ فکر مطالعهء خارج از کلاس و خواندن کتاب غیر درسی را در شاگردان ایجاد نمی‏کنند لزوم تاسیس‏ کتابخانه مطرح نبوده و اگر کتابخانه‏ای در مدرسه‏ای تشکیل شده است در حکم و بترین موزه و غرفه‏ای برای نمایش بوده است و هنوز هم وضع در غالب مدارس(بشرحی که در مورد یک منطقه‏ به تفصیل مورد تحقیق قرار گرفت)بهمان منوال است.

از چند سال قبل به این طرف که مدارس متوسط از دانش‏آموزان شهریه گرفته‏اند توانسته‏اند قسمتی از درآمد خود را به خری کتاب اختصاص بدهند.اما غالبا به همان خرید چهارصد پانصد جلد کتاب اکتفا شده و توجهی نشده است که کتابخانهء بی‏کتابدار و قفسه و بی‏توجه به‏ تنظیم صحیح و ترویج عادت کتاب خواندن مصداق پیدا نخواهد کرد!

فعلا چون از کتابخانهء مدارس بحث میشود توجه به مدارس متوسط و حرفه‏ای و دانشسراهای‏ مقدماتی منعطف می‏شود.وگرنه در مدارس ابتدائی و کودکستانها کمتر موضوع مطرح است و اگر چند مدرسهء ابتدائی خصوصی دارای کتابخانه باشد بکلی امری استثنائی است.

(1)-ناگفته نماند که این کتابخانه‏ها بیشتر جبنهء تخصصی و تحقیقی دارد و واقف را نمی‏توان بر مطلبی مجبور کرد.

(2)-مدارس قدیم منظور نیست.کتابخانه‏های مدارس قدیم از نوع کتابخانه‏های دانشگاهی است.

از مطالبی که گذشت معلوم شد که وضع کتابخانه‏های عمومی و مدرسه‏ای ایران بسیار بد اشت. معیب و نکاتب را که از لحاظ اساس قابل توجه است بشرح زیر می‏توان خلاصه کرد:

1-عادت خواندن در ایران ضعیف است.

2-کتابهای باب طبع و مفید بحال عامه کم است.

3-هنوز در ایران تفکیک نوعی کتابخانه‏ها کاملا عملی نشده است.1

4-تعداد کتابدار به مفهوم صحیح و تربیت شدهء آن از پنج‏شش نفر درنمی‏گذرد و بطور کلی تا این سالها اخیر تحصیل کتابداری مورد توجه نبوده است.2

بطور کلی کتابداران کنونی ایران عبارتند از:

الف-عدهء بسیار محدود که در ممالک خارجه تحصیل و مطالعهء کتابداری کرده‏اند و خدمت‏ در کتابخانه را شغل دائمی خود قرار داده‏اند.

ب-عده‏ای که بعلل شخصی و عده‏ای که بنابر مقتضیات اداری کتابدار هستند!این‏ عده مدتی دراز در کار کتابداری نمی‏مانند و پس از چندی به کار دیگری می‏پردازند.

ج-عده‏ای که بعلت علاقه و شوق به کتاب و مخصوصا توجه به تحقیقات و تجسسات ادبی‏ در کتابخانه‏ها کار می‏کنند و غالبا از طبقهء ادبا و محققان هستند و اطلاعاتشان در فن کتابداری‏ مبتنی برتجربه و محصول دوران خدمت است و باید آنها را محقق کتابشناس دانست و حقا چرخ‏ کتابخانه‏های ایران بوسیلهء همین اشخاص میچرخد و این افراد راهنما و هادی مراجعه‏کنندگان‏ و خواستاران کتاب هستند.

نکته‏ای دیگر که جای بحث آن اینجاست اینکه کتابداری در ایران هنوز مقام اجتماعی و ارزش‏ استخدامی مستقل نیافته است و از حقوق استخدامی برخودار نیست.در حالیکه مقام کتابدار مانند (1)-توضیح این مطلب آنکه کتابخانهء ملی بجای اینکه به وظایف اساسی خود یعنی تهیهء جمیع انتشارات‏ مملکتی و نشر کتابشناسی ملی بپردازد از بدو تشکیل تاکنون اهتمام خود را بر آن داشته است که کتابخانهء عمومی‏ باشد و احتیاجات عامه در برآورد.

کتابخانه‏های دانشگاهی(که هر دانشکدای کتابخانهء مخصوص بخود دارد)باید مجموعهء کتب خو را با پیشرفت‏ علم و نشر کتاب در جهان تکمیل کنند و وسایل تحقق و مطالعهء استاد و دانشجو را بنحو مطلوب فراهم سازند.

کتابخانه‏های عمومی به معنای حقیقی اساسا در ایران نیست.مصداق کتابخانهء عمومی در ایران عبارت است‏ از کتابخانه‏های بسیار کوچک یکهزار و دو هزار جلدی که اکثرا توسط وزارت فرهنگ در شهرها تشکیل شده است‏ و غالب کتابهای آنها قدیمی و انتشارات بی‏خوانندهء دولتی و کتب غیر مطلوب است و همین کتابها را هم به خواننده برای بردن‏ به منزل امانت نمیدهند!وضع کتابخانه‏های اداری و اختصاصی نیز بهمین ترتیبها است.

2-قبل از جنگ بین المللی دوم فقط یک ایرانی در فرانسه مدرسهء شارت را تمام کرد و از آنجا درجهء دکتری‏ گرفت.چند سال پیش هم یکی از ایرانیان در امریکا درجهء دکتری در کتابداری گرفت.اما پس از چندی،ماندگاری در امریکا را مرجح دانست.بعد از جنگ با آغاز فعالیت‏های یونسکو در ایران چهارنفر برای مطالعه در اصول کتابداری جدید از بورسهای یونسکو استفاده کردند.

در خود ایران یک بار توسط یونسکو کلاس چند ماه‏ای زیر نظر دو متخصص خارجی و با همکاری‏ ایرانیها تشکیل شد و عده‏ای آن دوره را به پایان رسانیدند.پس از آن کلاس دیگری توسط دو متخصص آمریکائی‏ با همکاری ایرانیها تشکیل کردید.در سال 1960 کلاسی برای تربیت کتابدار جهت کتابخانه‏های دبیرستانهای ولایات‏ بمدت چهل روز در تهران با همکاری فنی یونسکو و کمک مالی بنیادفورد تشکیل یافت و عده‏ای از مسلمان‏ شاغل خدمت در وزارت فرهنگ این دوره را تمام کردند.درین سالهای اخیر هفت‏هشت تنی مخصوصا برای مطالعات‏ و تحصیل کتابداری به امریکا صفر کرده‏اند که وجودهای مؤثری در نهضت جدید کتابداری ایران خواهند بود.نیز دوسه‏ تنی هم که مرسهء کتابداری ژنورا دیده‏اند هم‏اکنون درایران کار می‏کنند.

در دانشسرای عالی(قبل از انحلال)مدت پنج سال درس کتابداری یکی از دروس اخیاری محصلین بود و هر دانشجوئی می‏توانستدر این درس شرکت کند.همچنین در مؤسسهءتحقیقات اجتماعی وابسته به دانشکدهء ادبیات‏ یکی از دروس شاگردان سال اول اطلاعات مربوط به کتابداری و کتابشناسی است.

متأسفانه قوانین و رسومی برای استخدام و ادامهء خدمت کتابداران نیست و اکثر کسانی که دوره‏های‏ کتابداری را دیده‏اند امروز در کارهای دیگری خدمت میکنند.

معلوم است و باید بوضع زندگانی او توجه مخصوص بشود.در ایران برای افرادی که در آزمایشگاهها یا بایگانی‏ها خدمت میکنند مزایای مالی و حقوق دبیری یا فنی نائل هستند و کارشان را خدمت‏ فنی می‏دانند ولی برای کتابدار که بدون تردید خدمتش نظیر کار کارمندان آزمایشگاه‏ها و همپایه‏ با دبیر و دانشیارست هیچ نوع امتیازی قائل نشده‏اند و کارشان را از نوع کارهای فنی هم نمیدانند.!

5-قواعد کتابداری بخصوص تقسیم‏بندی کتاب،بنحو صحیح وجود ندارد و کتابدارها بیشتر بمیل و تجربه خود اصول تقسیم‏بندی را در کتابخانه‏ها اجرا میکنند تا مقتضیات فهرست‏ نویسی.فعلا در ایران یکی از روشهای مزکور در ذیل مورد استعمال است:

الف-روش قطع یعنی چیدن کتاب بترتیب قطع فهرست موضوعی.

ب-روش نگاهداری کتب بترتیب ورود کتاب

ج-دهگانهء بین المللی و دیوئی.

استفاده از روش دیوئی و دهگانهء بین المللی برای کتب قدیمه فارسی و عربی بسیار دشوار است و مخصوصا بکار بردن نمره‏های دیوئی برای قسمت‏های مربوط به مذاهب ایرانی و اسلامی‏ و زبان‏های ایرانی که جنبه مذهبی دارد و ادبیات فارسی.

کتابخانه‏هائی که این روش را بکار میبرند به گرفتاریها و مشکلات بسیار برخورده‏اند. علت اساسی اینست که روش مذکور با انواع کتب شرقی تطبیق ندارد و مطالب بسیاری از کتابهای‏ قدیمهء فارسی و عربی بنحوی است که در شماره‏های جدول دیوئی یا دهگانه دیده نمیشود و کتابدار باید برای طبقه‏بندی بعضی از کتابها خود عالمی از درجهء اول باشد.در مورد بعضی از متون قدیمهء فارسی این تشخیص مشکل است که آنرا از متون ادبی باید بحساب آورد یا از نوعی که کتاب‏ در آن موضوع است(زیرا بسیاری از کتب علمی و اجتماعی و فلسفی ایران امروز از لحاظ ادبی‏ مورد توجه و مشهور میان خواستاران و خوانندگان است)یا کتب قدیمهء مربوط به پیش از اسلام را که همه جنبه مذهبی دارد معلوم نیست که در قسمت مذهب باید قرار داد یا در قمست زبانشناسی.

بنابراین برای تنظیم کتابخانه‏های ایران و اتخاذ روشی که مناسب باشد باید قواعد کتابداری‏ صحیح وضع شود و این کار محتاج آنست که چند نفر بفراغ بال از طرف مؤسسه‏ای مأمور مطالعه‏ و تحقیق بشوند.

پس ناگزیر باید در تدوین و نشر اصول کتابداری و طرز طبقه‏بندی و تشکیلات کتابخانه‏ها و همچنین کتابشناسی کوشید،و اصطلاحات و لغاتی را که مورد احتیاج و استعمال است وضع کرد تا کار کتابخانه‏ها صورتی بهتر ازین بخود بگیرد.

ناتمام

مجله یغما دربارهء کتاب‏شناسی و کتاب‏داری،بنظر می‏آید که تاکنون مقاله‏ای مفیدتر و جامع‏تر ازین نوشته شده،اهل فن را به بحث درین موضوع دعوت می‏کنیم،مگر اولیای فرهنگ‏ و دانشگاه را راهنمائی باشد.